



۲۰۱۵/۱۲/۲۲

انجنیر عبدالصبور صافی

افغانستان در چند قدمی جهنم دیگر!!

کشور بار دیگر در یک چنبره از توطئه های ملی، منطوقی و بین المللی قرار گرفته است، اوضاع سیاسی نظامی در ولایات هلمند و ننگرهار با نیات نابکار پاکستان و شرکای آن در قبال افغانستان بخصوص بعد از تدویر کنفرانس قلب آسیا و امضای توافقنامه اقتصادی تاپی هنوز هم در پرده ابهام قرار دارد به صورت قطع نمی توان خوشبین بود که پاکستان به تعهدات خود صادق باقی بماند، زیرا وضعیت منطقه و منافع کشور های متحد پاکستان در افغانستان با به وجود آمدن پروژه داعش با دست داشتن کشور های بیگانه در آن نگران کننده به نظر میرسد.

پروژه داعش یکی دیگر از مُصیبت هایی که توسط غرب ساخته شده و بعد از عراق و سوریه به کمک پاکستان به افغانستان وارد میدان عمل شده است.

افراد وابسته به این گروه با این همه تجهیزات و تسهیلات و وسایط حتی از طریق هوا وارد خاک افغانستان می گردند. به اساس چشم دید مردم طیارات هلیکوپتر به رنگ سفید دیده شده که در قریه "هجرت" ولسوالی سرخ رود ولایت ننگرهار دامنه های (تورغر) افرادی را به لباس سیاه پیاده کرده اند که مربوط به گروه داعش بوده اند. این مردم نگرانی خود را با مصاحبه با تلویزیون شمشاد ابراز داشتند، اگر فرض کنیم که این یک مأموریت بود این بار اول هم نیست و حرکات مشابه در سایر ولایت نیز دیده شده و مردم ابراز نگرانی کرده اند. برعلاوه داعشی ها از طریق پاکستان وارد خاک افغانستان شده و هر روز در افغانستان قوت بیشتر می گیرند، گروه های طالب یکی پی دیگر با این گروه بیعت می دهد، ولی دولت در برابر این همه تحرکات خاموشی اختیار کرده است و پیش از اینکه وضع از کنترل خارج گردد برای جلوگیری از آن اقدام نمی کنند، همین اکنون از جمله ۱۳ ولسوالی در ولایت هلمند ۴ ولسوالی در دست مخالفین است بالای یک ولسوالی هم جنگ سنگین جریان دارد، در ننگرهار هم وضعیت هر روز وخیمتر شده می رود، جنرال «کیمبل» در یک مصاحبه با (اشوشیتیدپرس) گفته است که داعش خواهان ایجاد مقر خود در ولایت ننگرهار می باشد بدین ترتیب ننگرهار آهسته آهسته می رود که به «رقه سوریه» تبدیل گردد انتخاب ننگرهار به حیث مقر برای داعش از نگاه سوق الحیثی، مخفی گاه ها و هم سرحد بودن با پاکستان دارای اهمیت فراوان است.

بسیار جالب است وقتی مسؤولین امریکا در باره وضعیت امنیتی در افغانستان پیشگویی می کنند دقیقاً همان اتفاق می افتد ولی وقتی می گویند که امریکا پاکستان را تشویق می کند تا در صلح به افغانستان پیشرفت جدی داشته باشد، برعکس حملات پاکستان بالای مناطق مختلف افغانستان بیشتر می گردد. از اینکه امریکا این معلومات موثق را چطور و از کجا بدست می آورد کاملاً معلوم است، ولی چرا نمی خواهد این مراکز را نابود کند واقعاً حیرت آور است، این نشان دهنده

آنست که صداقت لازم در مبارزه با تیروریزم وجود ندارد زیرا کشور های غربی خواهان بدست آوردن اهداف خود به وسیله گروه های پرورده شده ای تیروریست هستند که از سالها آنها را پرورده اند. البته ریشه آن بر می گردد به جنگ های مجاهدین با شوروی، اکنون غربی ها برای شکست دادن حریفان خود این طرز رفتار را پیشه کرده اند، در اینجا میتوان از اوضاع سوریه درس های بسیار خوب آموخت، بعضی از تحلیلگران در ابراز نظر های خود می گویند که از خارجیان نباید شکوه و شکایت داشت بلکه از خود باید شکایت کرد، از نظر تیوری کاملاً سخن درست است ولی در میدان عمل وقتی همه چیز کشور وابسته به یک کشور دیگر باشد، ارگان های امنیتی و استخبارتی تحت تسلط کشور دیگر قرار داشته باشند، تسهیلات نظامی کافی بنا بر دلایل نامشخص به دسترس اردوی ملی کشور قرار نگیرد، دولت توان پرداخت مصارف و معاشات اردو را نداشته باشد، چطور می توان به خود اتکا داشت! بدون آنکه اندیشید در عقب این همه کمبودی ها چه اهداف نهفته است! بسیاری مردم وطن ما هم در خوش خدمتی و امتیاز گیری ها دست بالا دارند به خاطر منافع خود منافع ملی برای شان اصلاً هیچ ارزش ندارد، جنگ های طولانی اکثریت را بی سواد و مفت خوار بار آورد، بهترین و ساده ترین راه را اکثراً برای امرار حیات، داشتن تفنگ و در کنار گروه های تیروریست و مافیای مواد مخدر بودن می دانند، اگر اولیای امور خواهان استقرار صلح در کشور باشند و خود را متعهد به آرزو های ملت بدانند، باید راه های معقول بیرون رفت از این حالت را جست و جو کنند.

ماه جاری برای افغانستان ماه پر دستاورد بود در این ماه کنفرانس کشورهای قلب آسیا دایر گردید، توافقنامه تاپی به امضاء رسید و افغانستان هم عضویت سازمان تجارت جهانی را کسب کرد و بعضی پروژه های خورد و بزرگ شروع به کار کردند، «ریچارد اولسون» نماینده خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان، اجلاس کشورهای قلب آسیا را فرصت جدیدی برای حل و فصل اختلافات و جست و جوی راه های حل دانست. آقای اولسون گفته است: «اجلاس قلب آسیا، نمونه خوبی است تا ائتلاف های منطقه یی را برای صلح، امنیت و پیشرفت های اقتصادی استوار تر سازد».

وی افزود:

«ما از تلاش ها و تعهدات همگانی در راستای تحقق آینده با ثبات برای افغانستان و منطقه سپاس گزاریم. ما فکر می کنیم که این فرصت خوبی برای افغانستان است تا نقش کلیدی را در راستای گسترش روابط منطقه یی بخصوص در راستای جنگ با تیروریزم بازی کن.»

این سخنان حاوی پیام مشخص امریکا برای کشور های قلب آسیا و به خصوص افغانستان و پاکستان بود که در محراق توجه جهانی و منطقه یی در مبارزه با افراط گرایی و خطرات ناشی از آن قرار دارد.

از طرف دیگر امضاء توافقنامه تاپی فرصت طلایی را برای کشور های افغانستان و پاکستان به وجود آورده که اگر پاکستان صادقانه به تعهدات خود عمل کند و امریکا هم آنچه گفته به آن صادق باشد روزنه خوب به رخ مردم افغانستان گشوده خواهد شد، امروز اقتصاد یکی از شاخص های اساسی سیاست را می سازد و نقش کلیدی دارد. هیچ کشور حاضر نمی شود که از منافع خود چشم پوشی کند، پروژه ها مثل انتقال گاز ترکمنستان که به نام «تاپی» یاد می شود و پروژه برق از آسیای میانه به پاکستان و تجارت پاکستان با آسیای میانه که راه های وصل آن از خاک افغانستان میگذرد زمینه خوب برای تأثیر گذاری و ایجاد مناسبات متقابل تجاری و اقتصادی را درآوردن صلح به کشور، مهیا کرده است که دولت

باید این کارت را خوب و با مهارت طوری فعالانه بازی کند تا مناسبات دوامدار و استوار بر پایه اعتماد متقابل ایجاد گردد.

آیا صداقت در نیت پاکستان و امریکا وجود دارد؟

آنچه قابل نگرانی است، اینست که چگونه می توان این سیاست را به پیروزی نهایی رسانید که متحدین بین المللی افغانستان در نیت خویش در مبارزه با تروریسم صادق نباشند کمک های سرشار ایالات متحده امریکا برای پاکستان که به میلیارد ها دلار می باشد و از ۲۰۰۲ تا اکنون به ۱۳ میلیارد دلار می رسد و قرار است این کمک ها در سال ۲۰۱۶ افزایش یابد، البته این پول از طرف امریکا به پاکستان به نام مبارزه علیه تروریسم پرداخته شده در حالیکه اگر اوضاع نظامی کشور را از تاریخ فوق مطالعه کنیم در می یابیم که هر روز تروریسم هم در پاکستان و هم افغانستان تقویه شده است، سوال پیدا می شود، که این کمک ها جهت تقویه تروریسم پرداخت شده یا جهت مبارزه بر ضد تروریسم؟

فاکتور ها از بررسی اوضاع نشان دهنده آنست که به حملات طالبان افزوده شده، داعش ظهور کرده، حملات از شکل گروه های کوچک به گروه های بزرگ جهت تصرف مناطق و شهرها توسعه یافته، تبلیغات دشمن شکل رسانه یی به خود گرفته، همین اکنون بسیاری از ولسوالی ها در اختیار طالبان قرار گرفته، گروه جدید به نام داعش با ساز و برگ جدید روی کار شده و قرار است آهسته آهسته طالبان هم در این گروه مدغم گردند، کنون به فکر تصرف مکمل هلمند برآمده تا طالبان مرکز خود را به هلمند انتقال کند و داعش می خواهد ولایت ننگرهار را به پایتخت این گروه تبدیل کند، پاکستان حُسن نیت را برای باز کردن باب مذاکره با طالبان نشان داد بدون شک که آهسته آهسته آمدن صلح به یک نیاز به پاکستان هم مبدل شدنی است، اما این همه تلاش های پاکستان که توانست با میانجی گری انگستان زمینه ملاقات با آقای داکتر اشرف غنی را مساعد ساخت به این مفهوم است که از منافع درازمدت خود که در افغانستان دارد بگذرد! تلاش ها برای تصرف هلمند توسط طالبان می تواند نیت نیش دار پاکستان را رو کند، پاکستان می خواهد تا هرچه زودتر طالبان به موفقیت هایی دست یابند، اینکه داعش می خواهد ننگرهار را پایتخت خود بسازد، «جنرال کیمبل» قوماندان قوای ناتو در افغانستان این خوش خبری آنرا برای افغان ها تحویل داد، اگر ما پس منظر این گروه را در سوریه و عراق نگاه کنیم و برخورد نیرو های غربی تحت رهبری امریکا را در سوریه و عراق، به گفته حافظ الاسد رئیس جمهور سوریه با شبکه ۲ تلویزیون هلند که سریعاً اظهار داشتند: «در باره داعش و دیگر تروریست ها ما اعتقاد داریم که اگر اروپایی ها واقعاً برای حل مشکل سوریه جدی هستند باید به جای پند و موعظه دادن از ورود تروریست ها از طریق ترکیه جلوگیری کنند. تروریست ها دو کلید در اختیار دارند. نخست کلید لوژستیک ترکیه و سپس کلید پولی و ایدئولوژیک عربستان سعودی. حقیقت اینست که داعش علیرغم تشکیل ائتلاف مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۱۴ هر روز در حال پیشروی است.» در می یابیم که در کشورهای غربی صداقت لازم در مبارزه با گروه های تروریستی هرگز وجود نداشته است، این عدم صداقت [ظنی] آنرا به وجود می آورد که در پشت حملات تروریستی در پاریس که در ماه نوامبر انجام شد چه کشورها می توانند باشند آیا این مبارزه ضد تروریسم به شکلی از اشکال برای فریب باشندگان خود این کشورها نیست!

اکنون که حملات موثر نیروهای هوایی روس ها بر علیه داعش و سایر گروه های تروریستی در سوریه جریان دارد،

■ چرا تلاش‌ها صادقانه هم آهنگ نمی‌شوند؟

■ چرا تلاش‌ها وجود دارد تا آتش بس در سوریه صورت گیرد؟ در حالیکه داعش و سایر گروه‌های تیروریستی کاملاً سرکوب نشده‌اند،

■ چرا زمانیکه داعش در پیشروی بود کس صدای آتش بس بالا نمی‌کرد!

جالب است که داعش برای گسترش خلافت اسلامی برای مردمان چین آهنگ‌های رزمی می‌سراید و نعره خراسان را دوباره بالا کرده است و در تلاش تسخیر آسیای میانه می‌باشند ولی در چند قدمی خود از اعاده حقوق حقه مردم فلسطین از اسرائیل چشم پوشی می‌کنند حتی از برای تظاهر هم حرف به زبان نمی‌آورد! آنچه برای ما افغانها مهم است، این است که این وطن ویران ما اگر در برخورد و روش خود در برابر این همه قضایا سطحی برخورد کند، دیر نخواهد گذشت که افغانستان به میدان جنگ جدید و قربانی منافع‌انگیزی که فکر تسلط بر جهان و منابع انرژی را دارند شود!! داعش در افغانستان همین اکنون گروه‌های خود را از سایر ولایت به ننگرهار خواسته و با ایجاد یک رادیو به تبلیغات خود جهت جلب و جذب جوانان افزوده، کاملاً طبیعی است که این همه تحرکات بدون حمایت مستقیم پاکستان و حمایت مالی کشورهای امریکا، عربستان سعودی، قطر، ترکیه و اسرائیل ناممکن است که بتواند ننگرهار را تصرف و در آن مرکز خود را ایجاد نمایند.

آقای «پاول کریگ رابرت Paul Craig Roberts» طی مقاله مفصل در «انفارمیشن گلیرنگ هوز» مؤرخ ۲۰۱۵/۱۲/۰۸ می‌نویسد. مترجم داکتر مل:

«واشنگتن در برابر تیروریزم مانع نیست، واشنگتن به خاطر منافع خود از سال‌ها پیش تیروریزم را به میان آورده و برای واشنگتن حیثیت سلاح را دارد تا این سلاح را به روسیه و چین صادر کند و این کشورها را بی‌ثبات و متلاشی سازد، همان‌طور که می‌خواهد توسط اوکراین روسیه را تضعیف کند، توسط سوریه هم همین نظر را دارد و هم می‌خواهد که روسیه را به چین منحیث یک متحد کمزور معرفی دارد، واشنگتن و متحدین اروپایی آن می‌خواهند که مردم جهان را با خطر مواجه سازند که برگشت از آن ناممکن شود، به این اساس واشنگتن می‌خواهد روس و چین را مجبور بسازد که یا باید از واشنگتن پیروی کنند و یا برای جنگ آماده شوند.» نویسنده مقاله می‌افزاید که امریکا به هر شکل ممکن می‌خواهد به کمک متحدین اروپایی خویش روسیه را تحریک کند تا جنگ بین‌شان بوقوع بپیوندد یعنی به اساس گفته همین نویسنده امریکا می‌خواهد جهان با طرف نابودی یعنی همان که قیامت گفته می‌شود، ببرد.

اگر ارکین دولت در کابل و افغان‌ها به این فکر اند که داعش از طریق افغانستان به آسیای میانه طور ترانزیت عبور خواهد کرد، این یک خیال پوچ است زیرا این کار برای داعش دو خطر دارد یکی این که چلو صاف خلافت آن نزد مسلمانان از آب می‌برآید و معلوم می‌شود که داعش نه پی‌خلافت اسلامی بلکه برای منافع خاص امریکا می‌جنگد، دوم اینکه هویت تیروریست پرور متحدین داعش به همه جهان انکار ناپذیر می‌شود که از تروریزم جهت رسیدن به اهداف‌شان استفاده می‌کند، بناءً تصرف افغانستان و ایجاد خلاف از این‌جا آغاز خواهد شد یعنی افغانستان که خیلی شکنند شده است و بعد آسیای میانه و سپس نوبت چین، ایران و پاکستان می‌رسد البته این یک فرضیه است اگر زمامداران افغان از خواب خرگوش بلند نشوند و به خوش خدمتی به غرب منافع ملی خویش را زیر پا کنند و گروه جدید "حراست

و ثبات" که در وجود مجاهدین سابق یا همان جنگسالارن آزموده شده باز به حرکت آمده است این بازی را درک نکند و کمر حکومت را به خاطر تحقق آرزو های ملی بسته نکنند، آنهایی که به فکر برانداخت نظام کنونی اند باید بدانند که این توطئه دشمنان برخلاف تمامیت ارضی افغانستان است. حکومتی که بعد از براندازی این حکومت به وجود بیاید به مراتب ضعیف تر، مزدورتر و وابسته تر به غرب و کشورهای منطقه خواهد بود، و به این ترتیب سرنوشت خود و ملت را با مرگ ابدی گره میزند.

به امید سر فرازی ملت افغان

